

الغدير

[322] ومن شعره الفارسي قوله: از گفتهء مصطفى إمام است سه چار * از روي چه گوئي که

امام است چهار نشناسي اگر سه چار حق را ناچار * خواهی بعداب ایزدی گشت دو چار دلیل
رفعت شأن علي اگر خواهی * باين کلام دمی گوش خویشن میدار چو خواست مادرش از بهر زادنش
جائي * درون خانه خاصش بداد جا ستار پس آن مطهرة با احترام داخل شد * در آن مقام مقدس
بزاد مریم وار برون چو خواست که آید پس از چهارم روز * ندا شنید که [نامش برو علی
بگذار] فدای نام چنین زادهء بود جانم * چنین امام گزینید یا اولی الانصار ومن رباعياته:
أي مانده ز کعبهء محبت مهجور * افتاده ز راه مهر صد منزل دور با حب عمر دم مزن از مهر
نبي * کي جمع توان نمود با ظلمت نور ؟ وله: بما رسیده حدیث صحیح مصطفوی * که هست بعد
پیمبر امام هشت و چهار کسی نکرده زامت بدین حدیث عمل * بغیر پیرو آل وائمهء أطهار وله:
أي طالب علم دین ز من گیر خبر * تا چند دوی در بدر أي خسته جگر خود را برسان بشهر علم
أي غافل * شو داخل آن شهر ولیکن از در وله: نبي چو وارد (خم) گشت بر سر منبر * خلیفه
کرد علي را بکفتهء جبار نهاد بر سر او تاج وال من والاه * زامتش بکرفت از برای وي اقرار
ولیک آنکه به بخیخ نمود تهنیتش * بکرد از پی اقرار خویشن انکار فتاد بر سر حارث زغیب
سنگ قضا * چو گشت منکر نص غدیر آن غدار ومن رباعياته: از دوری راه خویشن یادی کن *
آماده ز بهر سفرت زادي کن از بی کسی مردن خود یاد آور * در ماتم خود نشین و فریادی کن